

جلسه‌ی پنجم

(نگاهی به سیر انسان از منظر

قرآن کریم)

(آنچه گذشت)

در جلسات گذشته گفتیم:

(سیر انسان صعودی است)

و الله تعالى

(انسان را به سوی درجات سیر می دهد)

(اما عامل بالا بردن، ایمان و علم است)

این (درجات)

مانند درجات دنیا مکانی و اعتباری،
و از جنس پست و مقام نیستند.

بلکه با (جان مومنان) ممزوج می‌شوند،
و اصولاً (خود ایشان درجات هستند)

این (درجات) حقایق هستند که:

(مومنان) به آن حقایق مُتَّصِف می‌شوند.

داستان، داستان سیر است،

و (مؤمن)، در (چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)

سیر می‌کند،

و دائماً در این چرخه، (مُتَّحَوِّل) می‌شود.

این (دگرگون شدن)،

به سوی دو غایت در حرکت است:

(النَّارُ يَا جَهَنَّمَ)

یا (إِلَى اللَّهِ / إِلَيْهِ / إِلَيْنَا و إِلَيْكَ)

(وَأَوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

می‌گوید:

(جهنم)، بد (مصیری) است.

(مصیر، مقصد و نهایت صیروت) است،

و (صیروت، دگرگونی و تحول) است.

انسان دائماً در حال **(سیر)** است،

گرچه این **(سیر)** به ظاهر،
در قید زمان و مکان اتفاق می‌افتد؛
ولی این سیر مکانی و زمانی نیست،
بلکه از جنس
(صیورت، دگرگونی و تحول) است.

انسان در پایان (سیر)،
به (جهنم) نمی‌رسد؛ بلکه:
خود به (جهنم و آتش) متحول می‌شود.

(وَمَا أُوَاهُمُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

همانطور که:

هر خلقتی در این عالم صورتی طبیعی دارد،
همانطور که در حیوانات مشاهده می‌شود؛

هر (ملکه‌ی / صفت ثابت) نفسانی هم
صورتی باطنی و اخروی دارد که:
در عالم آخرت و خانه‌ی حیات مشاهده می‌گردد.

(ادامه‌ی سخن)

اعمالی که
موجب سیر الی الله می شوند

(أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ)

(كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ)

(لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ)

(وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا)

(وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ)

(سورهى بقره آيهى ٢٨٥)

این آیه، عواملِ زیر را
موجبِ (صیروت و تحول الی الله) می‌داند:

(ایمان) به:

(الله تعالی و آنچه او نازل کرده است)

و (ایمان) به:

رسل الهی، کتاب آنها و ملائکه،
شنیدن و (اطاعت کردن) و طلب مغفرت کردن.

توجه کنید!

(ایمان) به:

(الله تعالی و آنچه او نازل کرده است)

رسل الهی، کتاب آنها و ملائکه،
شنیدن و (اطاعت کردن) و طلب مغفرت کردن.

همان (چرخه‌ی علم و عمل) است.

(لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ)

(مؤمنان) کافران را به جای مؤمنان،
(ولی و سرپرست) امور خود نمی گیرند.

(اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِيَّيَّ الْمَصِيرُ)

(شاکر بودن)

نسبت به الله تعالى و پدر و مادر.

(وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ)
(وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ)

(تزکیہ و پاکسازی نفس)

(وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ)
(وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ)

(استقامت در امر الهی)

(عدم تبعیت از هوای نفس دیگران)

(رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا)
(وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ)

(توکل علی الله)

(انابه / دائما نوبت گرفتن در درگاه الهی)

انسان دائماً در حال (سیر) است،

(سیری) از جنس

(صیروت، دگرگونی و تحول)

تمامی اموری که مشاهده کردید،
اموری بودند در (چرخه‌ی علم و عمل)

و این چرخه است که تنها دسترسی انسان،
برای رقم زدن سیر او
در مسیر (سعادت یا شقاء) است.

در این بخش از گفتار،
برای روشن شدن ابعاد دیگری از این گفتگو،
به شرح مختصری از سوره‌ی (العصر) می‌پردازیم.

نگاهی به سوره‌ی (العصر)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)
(وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)
(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)
(وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)

این سوره‌ی مبارکه،
در بیانی اعجاب انگیز،
و در نهایت اختصار و ایجاز،
تمامی معارف قرآن کریم را
در خود جا داده است.

مرحوم علامه‌ی طباطبایی،
درباره‌ی این سوره‌ی مبارکه می‌فرمایند:

تخلص السورة جميع المعارف القرآنية،
و تجمع شتات مقاصد القرآن في أوجز بيان،

این سوره‌ی مبارکه،
و در نهایت اختصار و ایجاز،
تمامی معارف قرآن کریم،
و اهداف گوناگون از آن را در خود جا داده است.

این سوره‌ی مبارکه،
بعد از قسم خوردن به عصر و زمان،
به چهار مطلب اساسی اشاره می‌کند:

- ۱- (إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ)
- ۲- (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)
- ۳- (وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ)
- ۴- (وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)

قدم اول

(خسارت حقیقی)

در قدم اول بیان می‌کند که:
(تمامی انسانها در خسارت و زیان هستند)

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

(تذکر): نکره بودن (خُسْرٍ) به این معنا است،
که این خسارت خسارتی بسیار بزرگ است.

علامه‌ی طباطبایی
درباره‌ی معنای (خُسْر) می‌فرماید:
(الخسارة نقص رأس المال)

(خسارت)

از دست دادنِ (اصل سرمایه) است.

فخر رازی در تفسیر رازی جلد ۳۲ صفحه ۸۴

درباره‌ی معنای (خُسْر) می‌گوید:

و عن بعض السلف:

تعلمت معنی السورة من بائع الثلج.

یکی از عالمان پیشین گفته است:

معنای سوره‌ی (العصر) را

از یک یخ فروش یاد گرفتم.

كان يصيح و يقول:
ارحموا من يذوب رأسه ماله،
ارحموا من يذوب رأس ماله.

یخ فروش فریاد می‌زد:
رحم کنید به کسی که:
(اصل سرمایه‌اش ذوب می‌شود)

فقلت: هذا معنى:
(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

با خودم گفتم:
معنای (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) این است.

قرآن کریم در هشت مورد
از تعبیر **(خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ)** استفاده می‌کند.

با توجه به این که:

(نفس) به معنای **(اصل وجود است)**

تعبیر **(خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ)** به معنای

از دست دادن **(اصل سرمایه‌ی عمر)** است.

به یکی از این موارد در
(سوره‌ی زمر آیه‌ی ۱۵)
توجه فرمایید:

(إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ)
(خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)
(أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ)

(إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ)
(خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)

این آیه، با صراحت اعلام می‌کند:
در جایگاه قیامت که روز آشکارگی است،

(**خسارت زده**) کسی است که:

(**خویشتن و اهل خود را از دست می‌دهد**)

یک نکته ی بلاغی

یک بار دیگر به آیه، دقت کنید!

(إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ)
(خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)

(الْخَاسِرِينَ) در آیه، (مسند الیه)،
و (الَّذِينَ / موصول) (مسند) است.

یکی از دلایل
(موصول آوردن مسند)
آگاه کردن مخاطب از:

(بی خبری او نسبت به حقیقتی)
یا (خطای در عقیده) است.

گویا مخاطب، به **(خسارت‌زدگی خود)** توجه ندارد؛
یا **(خسارت)** را در امر دیگری می‌داند،
و آیه، به دنبال توجه دادن به او،
یا آگاه کردن او از این خطا است؛
در نتیجه به او اعلام می‌کند:

(إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ)
(خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)

(إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ)
(خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)

در جایگاه قیامت که روز آشکارگی است،
(**خسارت زده**) فقط کسی است که:
(**خویشتن و اهل خود را از دست می دهد**)

خصوصیات کسانی که:
(خَيْرُوا أَنْفُسَهُمْ)

گفتیم قرآن کریم در هشت مورد
از تعبیر (خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ) استفاده می‌کند.

با توجه به این که:

(نفس) به معنای (اصل وجود است)

تعبیر (خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ) به معنای

از دست دادنِ (اصل سرمایه‌ی عمر) است.

سپس در مورد خصوصیات این گروه
در (سوره‌ی انعام آیه‌ی ۸) می‌فرماید:

قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ
(كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ)
(لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ)
(الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)

این آیه اعلام می‌کند:

(الذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ)

(کسانی که اصل سرمایه‌ی را از دست داده‌اند)

به حقایقی که در ابتدای آیه بیان شده،
ایمان نمی‌آورند. این حقایق عبارتند از:

(لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ)

(مالکیت حقیقی الله تعالی)

نسبت به تمامی حقایق موجود در عالم.

(لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ)

حقیقتی عظیم که:

نام آن **(قیامت)** است.

(قیامتی) که روز اجتماع تمامی انسانها است

(قیامتی) که در آن هیچ شکی نیست.

(الذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ)

(کسانی که اصل سرمایه‌ی را از دست داده‌اند)

دو اصل اساسی (توحید و معاد) را باور ندارند؛

دو اصل اساسی که تمامی قرآن کریم،

برای بیان این دو اصل

و قرار دادن آن در جان انسان آمده است،

در مورد خصوصیت دیگر این گروه
در (سوره‌ی انعام آیه‌ی ۲۰) می‌فرماید:

(الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ)
(يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ)
(الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)

اصل اساسی (نبوت) را هم باور ندارند؛
با این که کتاب الهی و حقانیت آن را می‌شناسند،
اما به آن ایمان نمی‌آورند.

(الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ)
(يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ)
(الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)

خصوصیت دیگری که در
(سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۲۰)
به آن اشاره می‌شود این است که:

(وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ)
(فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ)
(بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ)

(وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ)

اشاره به این است که:

ترازوی اعمال این گروه تهی و خالی است.

(إِذَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ) بیان می‌کند که:

دلیل این خسارت و سبک بودن ترازوی عمل،

(ظلم مستمر این گروه به آیات الهی) است.

با توجه به آیه‌ی قبل که:
(حق) را موجب سنگینی ترازوی عمل
به حساب می‌آورد:
(وَ الْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ)

خسارت نفس،
حاصل (پا گذاشتن بر روی حق) است.

و دلیل این که:
(مؤمنان دارای عمل صالح)
یکدیگر را به حق توصیه می کنند،
این است.

(و تَواصَوْا بِالْحَقِّ)

در (سوره‌ی مومنون آیه‌ی ۱۰۳)

خسارت نفس را موجب

خلود در جهنم می‌داند:

(وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ)
(فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ)
(فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ)

بازگشت به سوره‌ی

(العصر)

بعد از پرده برداری از این حقیقت،
دریچه‌ای عظیم از هدایت را
به روی مخاطب باز می‌کند.

این دریچه، بیان راه نجات از
(**خسارت زدگی عظیم و جاودانه**) است.

قدم دوم: راه نجات

(چرخه‌ی ایمان و عمل)

در قدم دوم اعلام می‌کند که:
(یک گروه، از این خسارت در امان هستند)

(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)

گروهی که از این خسارت در امان هستند:
(مؤمنان دارای عمل صالحند)

(مؤمنان دارای عمل صالح)
در (چرخه‌ی علم و عمل)
در حال سیر و عبور از (اسفل السافلین)
و عروج به اعلیٰ علین هستند.

(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)

ادامه‌ی سخن را
به جلسه‌ی آینده موکول می‌کنیم.